

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۵/۲۹

موضوع: ماجرای عجیب «سگ های حوآب» در جنگ جمل

برنامه جبل المتین

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

سلام بر شما بینندگان عزیز. با قسمتی دیگر از سلسله برنامه‌های «جبل المتین» مهمان منازل شما هستیم. قرار است اطلاعات خودمان را در مورد اهل بیت (علیهم السلام) و مسائلی که در صدر اسلام اتفاق افتاده است، افزایش بدهیم.

انشاءالله بتوانیم شیعیان خوبی برای ائمه اطهار (علیهم السلام) باشیم. با برنامه‌هایی که از «شبکه جهانی ولایت» تقدیم حضور شما می‌شود سعی بر این است که به صورت مستند و مستدل عقاید شما با مواردی که بیان می‌شود مستند شود.

انشاءالله همه ما بتوانیم مدافعان خوبی برای نبی گرامی اسلام، قرآن کریم، اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) باشیم.

در این برنامه هم همانند معمول سایر برنامه‌های «حبل المتین» در خدمت استاد عزیز و ارجمند آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم. به نیابت از همه شما عرض سلام و ادب و احترام خدمت حضرت استاد دارم. استاد سلام علیکم و رحمة الله؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز، گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و از خداوند منان موفقیت روزافزون برای همه شما گرامیان خواهانم.

خدا را به آبروی حضرت محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) قسم می‌دهم فرج مولای ما حضرت بقیة الله الأعظم را هرچه سریع‌تر نزدیک نموده و همه ما و شما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدارد، شر دنیا و آخرت را از ما دور کند، دغدغه‌های فکری همه ما و شما را برطرف سازد، حوائج ما و شما را برآورده نماید، دعاهای همه ما را به اجابت برساند؛ ان شاءالله.

مجری:

ان شاءالله، حضرت استاد از شما متشکریم. عزیزانی که با ما همراه هستند مستحضر باشند که می‌خواهم طرح سؤال کنم. ابتدا گذری بر مباحث جلسات گذشته داشته باشیم و سپس موضوعاتی را مطرح کنیم که مهم است. ما دوست داریم که شما با دقت برنامه ما را دنبال کنید و از همین ابتدای برنامه اعلام کنید. شماره برنامه برای شما زیرنویس شده است.

بخش دوم برنامه متعلق به شماست؛ شما می‌توانید روی خط تشریف بیاورید و سؤالاتتان را در موضوع برنامه آزادانه بپرسید. ان شاءالله پاسخ را دریافت کنید.

استاد عزیز یکی از مطالبی که «ابن تیمیه» در خصوص حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) گفته است این است که بسیاری از صحابه بغض امیرالمؤمنین را در دل داشتند و با آن بزرگوار جنگیدند.

من دوست داشتم توضیحاتی در این خصوص و خلاصه‌ای از مباحث قبل بفرمایید تا ان شاءالله سؤالات بعد را بپرسیم.

خلاصه ای از مطالب مطرح شده در جلسات گذشته

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب أدخلني مدخل صدق و أخرجني مخرج صدق و اجعلني من لدنك سلطانا نصيرا

بنده قبل از آنکه سؤال حضرتعالی را پاسخ بدهم لازم به یادآوری است که بعضی از شبکه‌های شیطانی

وهابی بحث‌ها و مناظراتی با بینندگان «شبکه جهانی ولایت» مطرح می‌کنند.

این افراد به دلیل اینکه کمبود شخصیتی کارشناسان خود را جبران کنند و بعضی از مخاطبین را هم احساساتی کنند جلوی اسامی بینندگانی که تماس می‌گیرند، اسم «شبکه جهانی ولایت» را می‌نویسند؛ حال آنکه این دروغ محض است.

ما اعلام کردیم که این عمل مجرمانه رسانه‌ای است. این آقایان باید خودشان بگویند که ما از طرف «شبکه جهانی ولایت» آمدیم. این در حالی است که عکس این عمل مشخص شد و این شخص رسماً اعلام کرد که من شخصی آمدم و با «شبکه جهانی ولایت» ارتباطی ندارم.

اگر چنین باشد «شبکه جهانی ولایت» رسماً اعلام می‌کند که فلان شخص از طرف ما آمده است. این افراد کارهایی را انجام می‌دهند که البته از شبکه‌های شیطانی جز این هم انتظاری نمی‌رود.

بنده می‌خواهم برای بینندگان عزیز خودمان و همچنین بینندگان شبکه‌های وهابی اعلام کنم که این افراد به هیچ وجه ارتباطی به «شبکه جهانی ولایت» ندارند.

ما در قبال افرادی که تماس می‌گیرند و بحث‌هایی را مطرح می‌کنند به هیچ وجه نه مسئولیت می‌پذیریم، نه با آن‌ها ارتباطی داریم و نه کارشان مورد تأیید و تکذیب ماست. هرکسی برای خودش نگاهی دارد.

عقیده ما این است که اهانت به مقدسات اهل سنت گناهی بزرگ و نابخشودنی است، زیرا موجب فتنه است. دشمنان اسلام به دنبال این هستند که اختلاف میان شیعه و اهل سنت را بیشتر و آتش را فروزان‌تر کنند.

ما نسبت به همسران همه پیامبران از حضرت آدم تا نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) معتقدیم که از مسائل ناموسی مبرا هستند. هرگونه اهانت ناموسی به همسران پیغمبر موجب بدبینی مردم به پیغمبر، بی‌ارزش بودن سخنان پیغمبر اکرم و اهانت به پیامبران است. ما این اقدام را محکوم می‌کنیم. شیعه چنین عقیده‌ای ندارد و اگر در بعضی از شبکه‌های شیطانی این مسائل مطرح می‌شود ارتباطی به بزرگان و علما و مذهب شیعه ندارد. ما بارها این مطلب را گفتیم، اما برای توضیح بیشتر به بینندگان عزیز خواستیم باز هم عرض کنیم.

ما بحثی را در رابطه با ادعای «ابن تیمیه» شروع کردیم که ایشان به صراحت اعلام کرد:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونهم و يقاتلونهم»

بسیاری از صحابه و تابعین بغض علی را در دل داشتند و او را سب می‌کردند و با او به قتال می‌پرداختند.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٧، ص ١٣٧

ما این ادعا را در چند جلسه نقد کردیم و بیان کردیم که حرف ایشان یا راست است و یا دروغ است.

اگر حرف ایشان دروغ است آقایان اهل سنت می‌دانند در کتاب «صحيح بخارى» حديث ٣٣٣ وارد شده است

یکی از نشانه‌های منافق دروغ گفتن هست؛ آن هم نسبت به بسیاری از صحابه و تابعین!!

این در حالی است که اگر او راست هم می‌گوید این حرف او اهانت به مقدسات اهل سنت است. اهل سنت

همگی معتقدند تمام صحابه عادل و اهل بهشت هستند. در کتاب «الإحكام فى أصول الأحكام» اثر «ابن حزم

أندلسى» وارد شده است:

«وكلهم عدول»

صحابه همگی عادل هستند.

الإحكام فى أصول الأحكام، المؤلف: أبو محمد على بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسى القرطبى

الظاهرى (المتوفى: ٤٥٦ هـ)، المحقق: الشيخ أحمد محمد شاکر، قدم له: الأستاذ الدكتور إحسان

عباس، الناشر: دار الآفاق الجديدة، بيروت، ج ٥، ص ٩٠، الباب الثامن

این ادعا به این معناست که تمام ١٢٤ هزار صحابه عادل و فاضل هستند. همچنین در کتاب «الإصابة فى تمييز

الصحابة» وارد شده است:

«الصحابة كلهم من أهل الجنة قطعاً»

قطعاً تمام صحابه اهل بهشت هستند.

الإصابة في تمييز الصحابة، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢ هـ)،
تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى

- ١٤١٥ هـ، ج ١، ص ١٦٣، الفصل الثالث

عقیده اهل سنت چنین است، اما «ابن تیمیه» اعلام می کند:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونهم و يقاتلونهم»

بسیاری از صحابه و تابعین بغض علی را در دل داشتند و او را سب می کردند و با او به قتال
می پرداختند.

دقت داشته باشید که در کتاب «صحيح مسلم» حديث ١٣١١ روایتی از رسول گرامی اسلام نقل شده است که
حضرت فرمودند: بغض امیرالمؤمنین نشانه نفاق است!!

بنابراین طبق ادعای «ابن تیمیه» بسیاری از صحابه منافق هستند. او همچنین ادعا می کند که بسیاری از صحابه
امیرالمؤمنین را سب می کنند. این در حالی است که رسول گرامی اسلام می فرماید:

«من سب عليا فقد سبني ومن سبني فقد سب الله تعالى»

هرکسی به علی ناسزا بگوید به من ناسزا گفته و هرکسی به من ناسزا بگوید به خداوند ناسزا گفته
است.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار
الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص
١٣٠، ح ٤٦١٦

«ابن تیمیه» همچنین ادعا می‌کند که بسیاری از صحابه با امیرالمؤمنین می‌جنگیدند. ما از کتاب «مستدرک
علی الصحیحین» ج ٣ صفحه ١٦١ روایتی را نقل کردیم که رسول گرامی اسلام فرمودند:

«نظر النبي إلى علي وفاطمة والحسن والحسين فقال أنا حرب لمن حاربكم وسلم لمن سالمكم»

نبی مکرم به حضرت علی، حضرت فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین نظر کرد و فرمود: هر کس با
شما بجنگد با من جنگیده است.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار
الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص
١٦١، ح ٤٧١٣

آقای «جصاص» متوفای ٣٧٠ هجری یکی از مفسرین پرآوازه اهل سنت طبق این روایت می‌گوید:

«فاستحق من حاربهم اسم المحارب لله ولرسوله»

چنین فردی استحقاق دشمنی با خدا و رسولش را دارد.

«وإن لم يكن مشركا»

اگرچه مشرک نباشد.

أحكام القرآن، اسم المؤلف: أحمد بن علي الرازي الجصاص أبو بكر، دار النشر: دار إحياء التراث العربي

- بيروت - ١٤٠٥، تحقيق: محمد الصادق قمحاوي، ج ٤، ص ٥١، باب حد المحاربين

ما این مباحث را مطرح کردیم سپس به جنگ جمل و جنگ صفین رسیدیم و بیان کردیم که آیا واقعاً بسیاری از صحابه با امیرالمؤمنین جنگیدند یا خیر!! ما از کتاب «تاریخ الإسلام» اثر آقای «ذهبی» جلد ٣ صفحه ٤٨٤ مطالبی را آوردیم که ایشان در آنجا به صراحت اعلام کردند:

«كان مع علي يوم وقعة الجمل ثمانمائة من الأنصار، وأربعمائة ممن شهدوا بيعة الرضوان»

در جنگ جمل هشتصد نفر از انصار و چهارصد نفر از کسانی که در بیعت رضوان بودند در رکاب علی بودند.

«شهد مع علي يوم الجمل مائة وثلاثون بدياً»

صد و سی نفر از اصحاب پیغمبر اکرم که در جنگ بدر شرکت داشتند در رکاب علی بودند.

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی،

دار النشر: دار الكتاب العربي - لبنان / بيروت - ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. عمر عبد

السلام تدمری، ج ٣، ص ٤٨٤، باب ٥ خلافة علي رضي الله عنه

حال مشاهده کنید که در طرف مقابل چه تعداد حضور داشتند؟! آیا می‌توانند تعداد آن را به اندازه انگشتان یک

دست برسانند یا خیر؟! در کتاب «مروج الذهب» نقل شده است:

«وكان جميع من شهد معه من الصحابة ألفينا وثمانمائة»

تعداد اصحابی که در جنگ صفین در رکاب علی بودند دو هزار و هشتصد نفر بود.

مروج الذهب، اسم المؤلف: أبو الحسن علي بن الحسين بن علي المسعودي (المتوفى: ۳۴۶ هـ)، ج ۱،

ص ۳۱۴، باب ذكر نسبه ولمع من أخباره وسيره نسبه وأخوته وأخواته

حال مشاهده کنید چه تعداد با معاویه بودند؟! دوازده نفر از کسانی که در جنگ بدر یا جنگ احد یا جنگ احزاب اقارب خود را به شمشیر امیرالمؤمنین از دست داده بودند و حضرت آنها را به درک واصل کرده بودند در سپاه معاویه حاضر شدند.

این افراد آمده بودند تا در جنگ صفین انتقام شهدای بدر و حنین خود را بگیرند. این افراد موفق به این کار نشدند و زمانی که نوبت به یزید رسید، گفت:

«لیت أشیاخی ببدر شهدوا جزع الخزرج من وقع الأسل»

ای کاش اجداد من که در بدر کشته شده بودند، می‌دیدند چطور انتقام آنها را از نوه پیغمبر گرفتم و از من تشکر می‌کردند.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها وتسمیه من حلها من الأمائل، اسم المؤلف: أبو القاسم علی بن

الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین

أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۵۲، ص ۲۳۵، ح ۶۱۷۷

نکته دیگر که ما در جلسه گذشته مطرح کردیم این است که نبی گرامی اسلام به امیرالمؤمنین دستور داده بودند تا با ناکثین و قاسطین و مارقین همان اعضای جمل و صفین و نهروان بجنگند.

ما این روایت را با سند صحیح از منابع اهل سنت نقل کردیم که جنگ با امیرالمؤمنین خلاف دستور پیغمبر اکرم بوده است. اگر امیرالمؤمنین در جمل و صفین و نهروان جنگیدند طبق دستور نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده است.

در کتاب «مجمع الزوائد» جلد هفتم صفحه ۲۳۸ وارد شده است که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرمایند:

«عهد إلى رسول الله في قتال الناكثين والقاسطين والمارقين»

پیغمبر اکرم به من دستور به قتال جملی‌ها، صفینی‌ها و نهروانی‌ها داد.

«وفي رواية أمرت بقتال الناكثين»

پیغمبر اکرم مرا به قتال جملی‌ها امر فرمود.

«فذكره رواه البزار والطبرانی في الأوسط وأحد إسناده البزار رجاله رجال الصحيح غير الربيع بن سعيد ووثقه ابن حبان»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن ابی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار
الکتاب العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۳۸

ما این مطالب را از «البدایة و النهایة» اثر «ابن کثیر دمشقی» آوردیم و روایات متعددی بیان کردیم که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین فرمودند:

«أمرني رسول الله بقتال الناكثين والمارقين والقاسطين»

همچنین ما روایت «ابو ایوب انصاری» را نقل کردیم که به او اعتراض کردند که:

«ثم جئت بسيفك على عاتقك تضرب به أهل لا إله إلا الله»

حال با این شرافت، کرامت و جایگاه شمشیر دست گرفته‌ای و در صفین با افرادی که گوینده لا اله الا الله هستند می‌جنگی؟

«فقال يا هذا إن الرائد لا يكذب أهله وإن رسول الله أمرنا بقتال ثلاثة مع علي بقتال الناكثين والقاسطين

والمارقين»

ابو ایوب انصاری گفت: پیغمبر گفت با سه دسته در رکاب علی بجنگید؛ ناکثین، مارقین و قاسطین.

«فأما الناكثون فقد قاتلناهم وهم أهل الجمل طلحة والزبير»

ناکثین که با آنها جنگیدیم اهل جمل به سرکردگی طلحه و زبیر بودند.

«وأما القاسطون فهذا منصرفنا من عندهم يعنى معاوية وعمر»

اما قاسطین معاویه و عمروعاص هستند که الآن از جنگ با آنها برمی گردیم.

«وأما المارقون فهم أهل الطرقات وأهل السعيفات وأهل النخيلات وأهل النهروان»

اما مارقین اهالی طرقات و سعيفات و نخيلات و نهروان هستند.

«والله ما أدرى أين هم ولكن لا بد من قتالهم إن شاء الله»

بخدا نمی دانم این اهل نهروان کجا هستند، اما ان شاءالله قطعاً با آنها خواهیم جنگید.

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت، ج ٧، ص ٢٩٠ - ٣٠٧، باب ما ورد فيهم من الأحاديث الشريفة

قضیه قتال ناکثین و قاسطین و مارقین و دهها روایات دیگر که از نبی گرامی اسلام نقل شده در حقیقت علم

غیب آن بزرگوار را اثبات می کند. همچنان که مشاهده می کنیم امروزه در شبکه های شیطانی علم غیب نبی

گرامی اسلام را به مسخره گرفتند و زیر سؤال می برند.

من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

بسیار عالی. حضرت استاد مطالب را تا اینجا رساندید که مطالب مشخص و واضح شود. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که ماجرای «کلاب حوآب» چیست؟! آیا قضیه «کلاب حوآب» با سند صحیح در کتب اهل سنت آمده است، یا خیر؟!

وقتی سگان حوآب بر عایشه پارس می‌کردند!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ماجرای «کلاب حوآب» یکی از اعلام نبوت و پیشگویی‌های نبی گرامی اسلام و دلیل بر علم غیب آن بزرگوار است. ما نمی‌دانیم آقایانی که تعبیر وقیحی را به کار می‌برند و نسبت به کسانی که معتقد به علم غیب پیغمبر اکرم باشند اهانت می‌کنند چکار می‌کنند!!

بنده اولاً از قول «ابن کثیر دمشقی» شاگرد «ابن تیمیه» خدای وهابیت مطالبی نقل می‌کنم. در کتاب «البدایة و النهایة» جلد هفتم صفحه ۲۳۱ نقل شده است زمانی که عایشه همسر پیغمبر اکرم همراه با «عبدالله بن زبیر»، «طلحه»، «زبیر» و «مروان» به طرف بصره می‌رفتند؛

«وقد مروا فی مسیرهم لیلا بماء یقال له الحوآب»

گذرشان در مسیر به آبی برخورد کرد که به آن حوآب می‌گفتند.

«فنبحتهم کلاب عنده»

سگ‌های آنجا شروع به سروصدا کردند.

«فلما سمعت ذلک عائشة قالت ما اسم هذا المكان»

زمانی که عایشه صدای سگ‌ها را شنید، گفت: اسم این مکان چیست؟

عزیزان اهل سنت شما را به خداوند متعال و رسول گرامی اسلام که آن بزرگوار را دوست دارید سوگند می‌دهم به این مطالب خوب دقت کنید. این مطالب از قول «ابن کثیر دمشقی» شاگرد «ابن تیمیه» است که از قدم تا قرنش مملو از بغض اهل بیت و تشیع است.

«قالوا الحوآب»

گفتند: الحوآب.

«فضربت ياحدى يدىها على الأخرى وقالت إنا لله وإنا إليه راجعون ما أظننى إلا راجعة»

عایشه دستش را بر دست دیگرش زد و گفت: همه ما از خداوند هستیم و به سوی او برمی‌گردیم، من باید برگردم.

«قالوا ولم»

پرسیدند: چرا؟!

«قالت سمعت رسول الله يقول لنساءه ليت شعرى أيتكن ألتى تنبجها كلاب الحوآب»

عایشه گفت از پیغمبر اکرم شنیدم که فرمودند: ای کاش می‌دانستم کدامیک از شما همسران من هستید که سگان حوآب بر او عو عو می‌کنند.

«ثم ضربت عضد بعيرها فأناخته وقالت ردونى ردونى أنا والله صاحبة ماء الحوآب»

سپس ضربه‌ای به پا و عضد شتر زد تا خوابید و گفت: مرا برگردانید؛ به خدا سوگند من همان صاحب آب حوآب هستم که پیغمبر اکرم از آن خبر داده بود.

دوستان عزیز آیا همین روایت نشانگر این نیست که اصحاب جمل برخلاف دستور پیغمبر اکرم حرکت کرده بودند؟! آیا این روایت نشانگر این نیست که کار امیرالمؤمنین موافق دستور رسول گرامی اسلام بود و آن بزرگوار از آینده خبر داشتند؟! او سپس می نویسد:

«وقد آوردنا هذا الحديث بطرقه وألفاظه في دلائل النبوة كما سبق»

این روایت با الفاظ و سندهای متعدد در دلائل النبوة آوردم.

«فأناخ الناس حولها يوما وليلة وقال لها عبد الله بن الزبير إن الذي أخبرك أن هذا ماء الحوآب قد كذب»

شبی «عبدالله بن زبیر» آمد و گفت: کسی که گفته آب حوآب است دروغ گفته است.

«ثم قال الناس النجا النجا هذا جيش علي بن أبي طالب قد أقبل»

سپس گفت: مردم حرکت کنید تا زمانی که سپاه علی بن ابی طالب به اینجا آمد اینجا نباشیم.

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت، ج ٧، ص ٢٣١، باب ابتداء وقعة الجمل

یکی از نشانه‌های صداقت نبی گرامی اسلام و رسالت پیغمبر اکرم اخبار از قضیه ماء حوآب بوده است.

جالب اینجاست که آقای «ألبانی» در کتاب «سلسلة الأحاديث الصحيحة» جلد اول نسبت به این روایت و در

مورد «حدیث حوآب» می نویسد:

«أحمد بن يحيى»، «ابن حبان» در کتاب «صحيح»، «ابن عدى» در كتاب «الكامل»، «بزار» و «ابو يعلى» نقل

کردند؛

«أن عائشة لما أتت على الحوآب سمعت نباح الكلاب»

زمانی که عایشه به آب حوآب رسید، صدای سگ‌ها را شنید.

«فقال: "ما أظنني إلا راجعة، إن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لنا: (فذكره)»

او گفت: من برمی‌گردم، زیرا پیغمبر اکرم از این امر خبر داده بود.

«فقال لها الزبير: ترجعين عسى الله عز وجل أن يصلح بك بين الناس "»

زبیر گفت: برنگرد تا شاید از طریق تو اصلاحی میان مردم صورت بگیرد.

ما از بسیاری از آقایان سؤال کردیم که مراد از اصلاح چیست. آیا در جمل کسی با هم دعوا کرده بودند و نزاع داشتند به همین خاطر می‌خواستند نزد عایشه بروند تا اصلاح میانشان صورت بگیرد؟!!

آیا قرار بود در آینده «طلحه» و «زبیر» با امیرالمؤمنین جنگ کنند و آنها تلاش داشتند قبل از آنکه جنگ شروع شود صلح را برقرار کنند؟!!

ما نتوانستیم بفهمیم قضیه صلح چه بوده است. حال اگر دوستان اهل سنت بتوانند روی خط تشریف بیاورند یا آقایان وهابی یا سلفی برای ما معنا کنند که قرار بود اصلاح میان چه کسانی صورت بگیرد، ما استفاده خواهیم کرد!!

ما در گذشته هم عرض کردیم این افراد حرکت کرده بودند تا با امیرالمؤمنین بجنگند و انتقام خون عثمان را بگیرند. اگر قرار بود صلحی هم بین وراث و قاتلین عثمان صورت بگیرد اولاً با هدف این افراد منافات داشت و ثانیاً تمامی این اتفاقات در مدینه صورت گرفته بود.

این افراد باید در مدینه میان قاتلین عثمان و وراث عثمان صلح می‌دادند. در بصره کسی از وراث عثمان در آنجا نبود تا آنجا صلحی برگزار شود. ایشان در ادامه می‌گویند:

«قلت: وإسناده صحيح جدا رجاله ثقات أثبات من رجال الستة»

سند این روایت همه صحیح است و رجال آن همگی از راویان صحاح سته است.

راویان این روایت راویان «صحيح بخارى»، «سنن ترمذی»، «سنن ابن ماجه»، «سنن نسائی» و «سنن ابو داود» است. او در ادامه می‌گوید:

«فالحديث من أصح الأحاديث»

این حدیث یکی از صحیح‌ترین احادیث است.

و «ابن کثیر» هم می‌گوید: این حدیث یکی از نشانه‌های نبوت نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) است!!

آقای «ابن تیمیه» که می‌گوید: علی بن ابی طالب به میل خود با اصحاب صفین، جمل و نهروان جنگید. پیغمبر اکرم چنین دستوری نداده بود!!

و آقای «ذهبی» می‌نویسد: این افراد به قصد جنگ نرفته بودند، زیرا اصلاً خبری از این قضایا نبود. «ألبانی» می‌گوید:

«فالحديث من أصح الأحاديث»

این حدیث یکی از صحیح‌ترین احادیث است.

«ولذلك تتابع الأئمة على تصحيحه قديما وحديثا»

علماء و ائمه ما در گذشته و حال دنبال این روایت بودند و تصحیح کردند.

او در ادامه تعدادی از علمای بزرگ اهل سنت که این روایت را تصحیح کردند نام می‌برد. «ابن حبان» در کتاب «صحيح» خود آورده است. «حاکم نیشابوری» می‌گوید: این روایت صحیح است.

ایشان می‌گوید: متأسفانه در کتاب «مستدرک» تصحیح «حاکم نیشابوری» را نیاوردند. آقای «عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» جلد ۱۳ صفحه ۴۵ از «حاکم نیشابوری» تصحیح روایت را نقل کرده است و می‌نویسد:

«وهو اللائق به لوضوح صحته»

شایسته است که حاکم نیشابوری این روایت را تصحیح کند، زیرا صحت روایت خیلی واضح است.

آقای «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» گفته است:

«هذا حديث صحيح الإسناد، ولم يخرجه»

آقای «ابن کثیر» گفته است:

«وهذا إسناد على شرط الشيخين، ولم يخرجه»

آقای «ابن حجر» گفته است:

«وسنده على شرط الصحيح»

سپس می‌نویسد:

«فهؤلاء خمسة من كبار أئمة الحديث صرحوا بصحة هذا الحديث»

این پنج نفر از بزرگان امامان حدیث ما هستند که به صحت روایت تصریح کردند.

اگر آقایان صحت روایت را هم بخواهند بنده گمان می‌کنم «ألبانی» با این بیان خود عذری را باقی نگذاشته باشد. او نسبت به «ابن عربی» سردسته ناصبی‌ها که تمام رگ و پوست و استخوانش مملو از بغض نسبت به ائمه اطهار و تشیع است مطلبی را نقل کرده است.

مجری:

این شخص صاحب کتاب «العواصم من القواصم» است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. او می‌خواست این روایت را تضعیف کند، اما آقای «البانی» به طوری ایشان را نقد کرده که آبرو و حیثیت

علمی برای «ابوبکر بن عربی» باقی نمانده است. او در آخر می‌گوید:

«وجملة القول أن الحديث صحيح الإسناد، ولا إشكال في متنه»

او بحث دیگری را می‌آورد و می‌نویسد:

«ولا نشك أن خروج أم المؤمنين كان خطأ من أصله»

شکی نیست که کار ام المؤمنین عایشه از اصل و ریشه خطا بوده است.

«ولذلك همت بالرجوع حين علمت بتحقق نبوة النبي صلى الله عليه وسلم عند الحوآب»

لذا زمانی که متوجه شد پیغمبر اکرم از قضیه حوآب خبر داده بود تصمیم گرفت از مسیر بصره برگردد.

«ولكن الزبير رضى الله عنه أفنعهما بترك الرجوع بقوله " عسى الله أن يصلح بك بين الناس "»

اما زبیر مانع برگشتن او شد و گفت: امید است که میان مردم به اصلاح پردازید.

«ولا نشك أنه كان مخطئا في ذلك أيضا»

شکی نیست که زبیر هم خطا کرده است.

«ولا شك أن عائشة رضى الله عنها المخطئة لأسباب كثيرة وأدلة واضحة»

دلایل واضح و اسباب فراوان نشانگر این است که عایشه هم در اینجا خطا کرده است.

سلسلة الأحادیث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين،
الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠ هـ)، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى،
(لمكتبة المعارف)، ج ١، ص ٨٤٦، ح ٤٧٤

انشاءالله ما در آینده بحث خواهیم کرد که عایشه از این کار پشیمان بود یا نبود!! کسی که برای اصلاح میان دو نفر برود پشیمانی ندارد. چنین شخصی اگر اصلاحی هم صورت ندهد پاداش خود را برده است.
ما روایات متعددی داریم مبنی بر اینکه اگر کسی برای برآوردن حوائج یک مؤمن و رفع گرفتاری او قدم بردارد اگر موفق هم نشود خداوند عالم به او پاداش می‌دهد. عایشه به «عبدالله بن عمر» گفت:

«ما منعك أن تنهاني عن مسيري»

چرا مرا از رفتن به طرف بصره نهی نکردی؟

«عبدالله بن عمر» در جواب گفت: من مشاهده کردم «عبدالله بن زبیر» بر تو غلبه کرده و تلاش دارد تو را ببرد.

«أما أنك لو نهيتني ما خرجت»

اگر تو نهی می‌کردی من به بصره نمی‌رفتم.

تاریخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن
الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٩٩٥، تحقيق: محب الدين
أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ج ٣١، ص ١١٠، ح ٣٤٢١

دوستان عزیز مشاهده کنید که از یک طرف عزیزان اهل سنت می‌نویسند که پیغمبر اکرم فرمودند:

«خذوا شطر دينكم عن الحميراء»

هفتاد درصد دینتان را از عایشه بگیرید.

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت، ج ۳، ص ۱۲۹، فصل موت خديجة بنت خويلد

جایگاه عایشه نزد عزیزان اهل سنت بسیار بالاتر از «عبدالله بن عمر» است. ولی عایشه در اینجا می‌گوید:

«عبدالله بن عمر» به خدا سوگند اگر تو مرا نهی کرده بودی به جنگ جمل نمی‌رفتم!!

این مباحثی است که ان‌شاءالله بعدها درباره آن بحث خواهیم کرد و بیان می‌کنیم که آیا واقعاً عایشه پشیمان

بود یا خیر!! همچنین در مورد علت پشیمان بودن او مطالبی را بیان خواهیم کرد.

بنده تنها یک سؤال از کارشناسان شبکه‌های شیطانی دارم؛ دوستانی که با این شبکه‌ها تماس می‌گیرند از این

افراد سؤال کنند: این افراد ادعا می‌کنند که «طلحه»، «زبیر»، «عایشه»، «معاویه»، «عمرو عاص»، «مروان» و

دیگر افراد با علی بن ابی طالب جنگیدند. این افراد اجتهاد کردند، اجتهادشان خطا بوده و به همین خاطر خداوند

متعال به این افراد پاداش می‌دهد!!

عزیزانی که با شبکه‌های شیطانی تماس می‌گیرند دقت داشته باشند اولاً اجتهاد باید از آیات قرآن کریم یا سنت

پیغمبر اکرم باشد. حال اگر مطالبی در قرآن و سنت نبود آقایان روی اجماع و قیاس می‌روند در حالی که عده

زیادی از اهل سنت قیاس را قبول ندارند.

این افراد از کدام آیه اجتهاد فرمودند که جنگ با امیرالمؤمنین لازم است؟! آن‌ها از کدام حدیث پیغمبر اکرم

استفاده کردند که باید با علی بن ابی طالب بجنگند!؟

اگر این افراد آیات قرآن را دلیل اجتهادشان می‌آورند باید بدانند که شیعه و اهل سنت بر این عقیده هستند که آیه تطهیر درباره امیرالمؤمنین نازل شده است. خداوند عالم شهادت بر طهارت آن بزرگوار داده است. آیا با این وجود امکان اجتهاد در قتال امیرالمؤمنین هست؟!

خداوند متعال در آیه مباحله امیرالمؤمنین را نفس و جان و روح پیغمبر اکرم معرفی کرده است. آیا با این وجود جایی برای اجتهاد می‌ماند یا خیر؟! در سنت پیغمبر اکرم وارد شده است:

«عَلَى مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ»

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن
إبن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٩٩٥، تحقيق: محب الدين أبي سعيد
عمر بن غرامة العمري؛ ج ٤٢، ص ٤٤٩

و:

«على مع القرآن والقرآن مع علي لن يتفرقا حتى يردا على الحوض»

علی با قرآن است و قرآن با علی است و این دو تا حوض کوثر از همدیگر جدا نمی‌شوند.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار
الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص
١٣٤، ح ٤٦٢٨

آیا با این وجود امکان اینکه ما بخواهیم در برابر امیرالمؤمنین اجتهاد کنیم و با آن بزرگوار بجنگیم وجود دارد یا خیر؟! از طرف دیگر پیغمبر اکرم فرمودند:

«أنا حرب لمن حاربكم وسلم لمن سالمكم»

هر کسی با شما بجنگد با من جنگیده است و هر کسی با شما صلح کند با من صلح کرده است.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه الكوفي، دار

النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت؛ ج٦، ص ٣٧٨، ح

٣٢١٨١

همچنین در روایت دیگر وارد شده است:

«أمرني رسول الله بقتال الناكثين والمارقين والقاسطين»

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن

إبن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٩٩٥، تحقيق: محب الدين أبي سعيد

عمر بن غرامة العمري؛ ج٤٢، ص ٤٦٨

آیا پیغمبر اکرم به این افراد هم دستور داده تا با امیرالمؤمنین بجنگند یا خیر؟! برای ما روشن کنند که اجتهاد

صحابه برای جنگ با امیرالمؤمنین از قرآن کریم بوده یا سنت پیغمبر اکرم؟

نکته مهمتر اینکه اهل سنت معتقدند که صحابه اجتهاد کردند با امیرالمؤمنین جنگیدند. آنها اشتباه و خطا

کردند و به همین خاطر خداوند متعال به این افراد پاداش می دهد!! آیا «طلحه»، «زبیر»، «معاویه» و دیگران،

خود مدعی بودند که ما اشتباه کردیم و پاداش داریم یا خودشان چنین ادعایی نداشتند؟!

کسی که خود صاحب عمل است آیا چنین ادعایی داشت یا نداشت؟! اگر این افراد خود چنین ادعایی کرده

باشند ما می گوییم که این افراد صحابه بودند، مدعی بودند ما اجتهاد کردیم، در اجتهاد خود اشتباه کردیم و

خداوند متعال به ما پاداش خواهد داد.

این افراد خودشان نگفتند که چطور شد ولی «ابن تیمیه»، «ذهبی» و دیگران بعد از گذشت ششصد سال می‌آیند، می‌خواهند عمل این افراد را توجیه کنند و ادعا می‌کنند که آن‌ها در اجتهاد خود اشتباه کردند و به همین خاطر خداوند متعال به آن‌ها پاداش می‌دهد.

آیا پیغمبر اکرم فرموده که صحابه اجتهاد کردند به همین خاطر پاداش دارند؟! آیا امیرالمؤمنین به عنوان خلیفه چهارم اهل سنت فرمودند که صحابه اجتهاد کردند و به همین خاطر پاداش دارند یا خودشان چنین ادعایی داشتند؟! اگر جواب این سؤال را می‌دانند به ما هم بگویند.

به گمانم اگر این مطلب را به طفل نوزاد هم بگوییم متوجه می‌شود. حال نمی‌دانیم این آقایان متوجه می‌شوند یا خیر!!

نکته ظریفی در اینجا وجود دارد که خیلی برای من دردناک است. اگر عبارت «ابن تیمیه» نبود بنده اصلاً صلاح نمی‌دیدم وارد این بحث شوم.

زمانی که «ابن تیمیه» چنین حرفی را مطرح کرده ما موظف هستیم نسبت به حرف‌های بی‌اساس او موضع بگیریم، زیرا قیامت مسؤل هستیم. بنده کاری به اهل سنت و وهابیت ندارم، بلکه طرف حساب من بچه شیعه‌هاست.

شیعیان باید حقایق تاریخی را کاملاً بدانند و در بحث‌ها توانایی دفاع از عقاید خودشان و توانایی دفاع از مظلومیت حضرت امیرالمؤمنین را داشته باشند. بنده بارها گفتم زمانی که محضر حضرت آیت الله العظمی سیستانی (حفظه الله تعالی) بودم، ایشان به من گفتند:

«لا تقولوا إخواننا أهل السنة، بل قولوا أنفسنا أهل السنة»

نگویید برادران اهل سنت، بلکه عزیزان اهل سنت بگویید.

سپس فرمودند: در «شبکه جهانی ولایت» از مظلومیت امیرالمؤمنین دفاع کنید و مظلومیت آن بزرگوار در جنگ
جمل و صفین را برای مردم روشن و باز کنید.

بنابراین ما نه توهین می‌کنیم و نه اهانت می‌کنیم. ما توهین و اهانت را گناهی بزرگ بلکه نابخشودنی می‌دانیم،
زیرا فتنه‌انگیز است و خداوند متعال می‌فرماید:

(وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ)

و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است!

سوره بقره (۲): آیه ۱۹۱

بعضی از تندروهای شیعه به ما اعتراض می‌کنند چرا چنین حرفی می‌زنید. عقیده بنده چنین است و با تمام
وجود معتقدم که امروز ایجاد اختلاف مذهبی و قومی از اکبر کبائر است و معلوم نیست که اگر کسی بخواهد از
این گناه توبه کند خداوند توبه او را بپذیرد یا خیر!!

اگر عقیده بنده اشتباه باشد حداقل ادعا می‌کنیم اجتهاد کردیم و ثواب می‌بریم و این خود کمتر از جنگ جمل و
نهروان نیست!!

دوستان عزیز آقای «بلاذری» یکی از علمای بزرگ اهل سنت و شخصیتی برجسته است تا جایی که آقای
«ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد سیزدهم در مورد او می‌نویسد:

«العلامة الأديب المصنف أبو بكر أحمد بن يحيى بن جابر البغدادي البلاذري الكاتب صاحب التاريخ

الكبير»

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی،

ج ۱۳، ص ۱۶۲، باب ۹۶ البلاذری

همچنین در جلد شانزدهم می نویسد:

«فأما البلاذری الكبير فهو أحمد بن يحيى صاحب التاريخ الكبير حافظ أخبارى علامة»

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی،

ج ۱۶، ص ۳۶، باب ۲۲ البلاذری

همین شخصی که «ذهبی» از او به «علامه» تعبیر می کند، در کتاب «أنساب الأشراف» جلد ۳ همین تعبیر را نقل می کند که وقتی عایشه همسر پیغمبر اکرم به آنجا رسید تصمیم گرفت برگردد؛

«فَأَتَاهَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الزُّبَيْرِ فَقَالَ: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّ هَذَا الْمَاءَ الْحَوَّابُ»

عبدالله بن زبیر آمد و گفت: دروغ گفته است هرکسی تصور کرده است که این آب حوآب است.

«وَجَاءَ بِخَمْسِينَ مِنْ بَنِي عَامِرٍ فَشَهِدُوا وَحَلَفُوا عَلَى صِدْقِ عَبْدِ اللَّهِ»

چهل نفر از قبیلہ بنی عامر شہادت دادند و قسم خوردند کہ این آب حوآب نیست.

جمل من أنساب الأشراف، المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر بن داود البلاذرى (المتوفى: ۲۷۹ هـ)، تحقیق: سهیل زکار وریاض الزرکلی، الناشر: دار الفكر - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، ج

۲، ص ۲۲۴، باب خبر (حرب) الجمل

دوستان عزیز آقای بلاذری نه شیعه است و نه علاقه‌ای به تشیع دارد. آقای «حاج خلیفه» که یکی از علمای بزرگ اهل سنت است در کتاب «کشف الظنون» مطالبی را در رابطه با آقای «بلاذری» مطرح می‌کند.

آقای «حلبی» در کتاب «إنسان العیون» یا «سیرة الحلبيّة» جلد سوم به طور مفصل این مسئله را مطرح می‌کند. او نقل می‌کند عایشه گفت:

«والله أنا صاحبة الحوآب ردونی ردونی ردونی»

والله این همان آبی است که پیغمبر اکرم آن را پیشگویی می‌کرد. مرا برگردانید، مرا برگردانید، مرا برگردانید.

«فعند ذلك يقال إن طلحة والزبير أحضرا خمسين رجلا شهدوا أن هذا ليس بماء الحوآب وأن المخبر لها كذاب»

طلحه و زبیر پنجاه نفر را آوردند تا شهادت دهند که این آب، آب حوآب نیست و شخصی که چنین مطلبی گفته کذاب بوده است.

«شعبی» که امیرالمؤمنین در حدیث است، می‌گوید:

«وهی أول شهادة زورت فی الإسلام»

این شهادت، اولین شهادت دروغی بود که در اسلام بنا نهاده شد.

السیرة الحلبيّة فی سیرة الأمین المأمون، اسم المؤلف: علی بن برهان الدین الحلبي، دار النشر: دار

المعرفة - بیروت - ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۳۵۵، باب ذکر نبذ من معجزاته

همچنین آقای «موفق بن أحمد» معروف به «خوارزمی» در کتاب «المناقب» صفحه ۱۸۱ همین تعبیر را آورده و می‌نویسد:

«فأتوها بسبعين شيخا فشهدوا أنه ماؤنا وما هو بماء الحوآب»

آن‌ها هفتاد نفر از پیرمردان را آوردند تا شهادت دهند که این آب متعلق به آن‌هاست و آب حوآب نیست.

المناقب؛ موفق الخوارزمی، تحقیق: الشيخ مالک المحمودی - مؤسسة سيد الشهداء (ع)، ربيع الثاني ۱۴۱۴، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامي، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ص ۱۸۱، ح ۲۱۷

آقای «خوارزمی» هم مشخص است که آقای «ذهبی» درباره او به صراحت می‌گوید:

«أبو المؤيد المكي، العلامة، خطيب خوارزم. كان أديباً، فصيحاً، مفوهاً، خطب بخوارزم دهرًا، وأنشأ الخطب، وأقرأ الناس، وتخرج به جماعة»

در ادامه می‌نویسد:

«وله كتاب في فضائل علي»

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، دار النشر: دار الكتاب العربی - لبنان / بیروت - ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. عمر عبد السلام تدمری، ج ۳۹، ص ۳۲۷، باب ۴

همچنین در مقدمه کتاب «المناقب» تعبیر شده است:

«صدر الأئمة الموفق ابن أحمد المكي»

المناقب؛ الموفق الخوارزمي، تحقيق: الشيخ مالك المحمودي - مؤسسة سيد الشهداء (ع)، چاپ:

الثانية، سال چاپ: ربيع الثاني ١٤١٤، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامي، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي

التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ص ١٣

این حرف به این معناست که او پیشاپیش و صدرنشین و بالای امامان ما بوده است. همچنين آقای «سبط ابن

جوزی» که «ذهبی» درباره او می نویسد:

«الإمام، الواعظ، المؤرخ شمس الدين، أبو المظفر التركي، ثم البغدادي العوني الحنفي. سبط الإمام جمال

الدين أبي الفرج ابن الجوزي؛ نزيل دمشق»

همچنين در ادامه می نویسد:

«وكان إماماً، فقيهاً، واعظاً، وحيداً في الوعظ، علامةً في التاريخ والسير، وافر الحرمة، محبباً إلى الناس،

حُلُوّ الوعظ، لطيف الشمائل، صاحب قبول تام»

تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي،

دار النشر: دار الكتاب العربي - لبنان / بيروت - ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. عمر عبد

السلام تدمري، ج ٣٩، ص ٣٢٧، ح ١٧٦

«ذهبی» به صراحت می گوید: سخنان او مورد قبول همگان بوده است. ایشان در کتاب «تذكرة الخواص» صفحه

٦٦ می نویسد: «طلحه» و «زبير» ٥٠ نفر آوردند تا شهادت دهند که این آب، آب حوآب نیست و قسم خوردند.

آقای «شعبي» هم که گفت:

«فهي أول شهادة زور اقيمت في الإسلام»

این اولین شهادت دروغی بود که در اسلام بنا نهاده شد.

دوستان عزیز این مطالب خلاصه‌ای از قضیه آب حوآب و پیشگویی و اخبار از غیب نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که فرمودند: یکی از همسران من برای جنگی می‌رود، سگان حوآب بر او عوعو می‌کنند و کشته‌های زیادی در آن جنگ اتفاق می‌افتد.

جناب آقای حسینی بحث‌های دیگری هم در این زمینه هست. نکاتی وجود دارد که ما می‌خواهیم وهابیت به آن پاسخ بدهند.

وهابیت ادعا دارند که در جنگ جمل امیرالمؤمنین و «طلحه» و «زبیر» قصد جنگ نداشتند. «عبدالله بن سبأ» شبانه به سپاه «طلحه» و «زبیر» حمله کرد. این افراد به دفاع از خود با آن‌ها مقابله و به سپاه امیرالمؤمنین حمله کردند. در مقابل امیرالمؤمنین هم به این افراد حمله کرد و سی هزار نفر کشته شد!!

ما نمی‌دانیم «عبدالله بن سبأ» از آسمان به زمین آمد یا از زمین رویید!! ما نمی‌دانیم قضیه چیست؛ صحابه برای قتل عثمان اجتماع می‌کنند و آقایان وهابی «عبدالله بن سبأ» درست می‌کنند که عامل اصلی قتل عثمان «عبدالله بن سبأ» بوده است.

ما نمی‌دانیم «عبدالله بن سبأ» از کجا آمد!! آیا او در جامعه بود یا خیر؟! آیا او از آسمان به زمین آمد یا یک مرتبه از زمین رویید؟! آیا او پدر و مادر و زندگی داشته است؟! چطور عثمان تا زمان مرگش متعرض چنین شخصی نشده بود؟!

علاوه بر این ادعای وهابیت توهین به صحابه است. اصحاب زیادی در مدینه بودند، اما وقتی که «عبدالله بن سبأ» خلیفه مسلمین را به قتل می‌رساند یک نفر صحابه از خلیفه دفاع نمی‌کند.

در ماجرای جنگ جمل هم ادعا کردند که نستجیر بالله امیرالمؤمنین و «طلحه» و «زبیر» فریب خوردند. شخصی به نام «عبدالله بن سبأ» آمد، ماجرای جنگ را رقم زد و افراد زیادی کشته شدند. این در حالی است که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَمَنْ يَفْتُلْ مُؤْمِنًا مَّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا)

و هر کسی فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند مجازات او دوزخ است که جاودانه در آن می‌ماند.

سوره نساء (۴): آیه ۹۳

بنابراین ما چهار مسئله را به طور اساسی مطرح کردیم؛ مسئله اول اینکه در جلسه گذشته مطرح کردیم که در کتب عزیزان اهل سنت وارد شده است که اصحاب جمل به قصد قتال با امیرالمؤمنین آمده بودند.

مسئله دوم اینکه ما امشب در رابطه با قضیه عوعو کردن سگ‌های حوآب مطالبی بیان کردیم که پیغمبر اکرم از این ماجرا خبر داده بودند. به تعبیر آقای «ابن کثیر دمشقی»، «بیهقی» و دیگران این ماجرا از اعلام و نشانه‌های نبوت بوده است.

مسئله سوم که باید عزیزان را آماده کنیم نکته بسیار عجیبی است. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به طرف شام برای جنگیدن با معاویه می‌رفت. یک مرتبه به ایشان خبر دادند که «طلحه» و «زبیر» به بصره آمدند، به این شهر حمله کردند و آنجا را تصرف کردند، بیت المال مسلمین را میان خود تقسیم کردند، چند هزار نفر از مسلمانان را کشتند.

اصحاب جمل «حکیم بن جبلة» و «مشاجع بن مسعود سلمی» صحابی پیغمبر اکرم را به قتل رساندند. همچنین «عثمان بن حنیف» عامل و حاکم بصره را از منزلش بیرون کشیدند و تصمیم داشتند او را بکشند، اما به دستور عایشه ام المؤمنین موی صورت و پلک و مژه او را کردند و از بصره بیرون کردند.

دقت داشته باشید قبل از آنکه امیرالمؤمنین به بصره برسد این اتفاقات افتاده است. ما ان شاءالله این مطالب را از «ابن کثیر دمشقی» و دیگر بزرگان اهل سنت از جمله «ابن عبدالبر» خواهیم آورد تا قضیه برای شیعیان روشن شود و فریب شبکه‌های شیطانی را نخورند.

کارشناسان شبکه‌های وهابی ادعا می‌کنند که «طلحه» و «زبیر» و علی بن ابی طالب به قصد جنگ نیامده بودند. آن‌ها تصمیم داشتند صلح نامه‌ای بنویسند.

ما قبول داریم که صلح نامه نوشته شد، اما این صلح نامه میان امیرالمؤمنین و «طلحه» و «زبیر» نبود. این صلح نامه میان «عثمان بن حنیف» حاکم بصره و «طلحه» و «زبیر» بود.

متأسفانه طبق عبارت «خلیفه بن خیاط»، «ابن کثیر» و «ابن عبد البر» این افراد برخلاف صلح نامه عمل کردند. مفاد صلح نامه چنین بود که «عثمان بن حنیف» حاکم بصره است، «طلحه» و «زبیر» در منازل دوستان خود اطراق کنند و از امکانات بصره استفاده کنند تا امیرالمؤمنین از مدینه برسد و هر دستوری که آن بزرگوار داد به آن تن دهند.

این صلح نامه مشخص است و در کتب اهل سنت موجود است. ولی این افراد برخلاف صلح نامه به مسجد حمله کردند، طرفداران «عثمان بن حنیف» را کشتند، او را از منزل بیرون آوردند و در حق او جنایاتی مرتکب شدند.

اگر اصلاح ذات البین چنین است این ادعا صددرصد صحیح است!! دعوایی میان «طلحه» و «زبیر» و «عثمان بن حنیف» بود. آن‌ها صلح نامه‌ای نوشتند، اما صلح نامه را زیر پا گذاشتند و این قضایا اتفاق افتاد.

پس سومین مسئله این شد که آیا قبل از رسیدن امیرالمؤمنین جنگ و کشتاری اتفاق افتاد یا خیر!!

مسئله چهارم در جنگ جمل این است که آیا امیرالمؤمنین اتمام حجت کرد و جنگی از طرف آن حضرت شروع شد یا از طرف سپاه «طلحه» و «زبیر» شروع شد.

حرف‌هایی که «ابن تیمیه» و دیگران بافتند ما چیزی در منابع اسلامی عزیزان اهل سنت ندیدیم. شاید «سیف بن عمر» زندیق که به جعل روایت می‌پرداخت چنین روایاتی درست کرده باشد همانطور که قضیه «عبدالله بن سبأ» را درست کرده است.

آنچه مهم است اینکه در کتب معتبر اهل سنت با سند معتبر چنین مطالبی وجود ندارد. امیدواریم که این مطالب مرضی حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) و حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) واقع شده باشد.

بنده باز هم تکرار می‌کنم که ما اهانت به مقدسات اهل سنت را گناهی بزرگ و نابخشودنی می‌دانیم. این مطالب بیان حقایق تاریخی است و نود درصد برای اطلاع رسانی به عزیزان شیعه ماست.

مجری:

حضرت استاد از شما متشکرم، بسیار بسیار ممنونم. مطالب قابل تأملی است!! اگر ایرادی به این مطالب می‌بینید روی خط بیابید و مطرح کنید تا همگان بفهمند که ایراد وارد است.

این مباحث علمی است؛ ما از مخالفین دعوت می‌کنیم که روی خط بیابند و سؤالات خود را مطرح کنند. با هم میان برنامه‌ای ببینیم، سپس برمی‌گردیم و تماس‌های شما را دریافت می‌کنیم.

از همین الآن عرض می‌کنم که اگر تماس‌های شما مختصر باشد و تنها سؤالات خود را مطرح کنید نوبت به بینندگان بیشتری در بخش دوم برنامه خواهد رسید. با ما همراه باشید، بعد از دیدن میان برنامه برمی‌گردیم و شنونده تماس‌های شما هستیم.

تماس بینندگان برنامه:

از همراهی شما ممنونم، به سراغ تماس‌های بینندگان می‌رویم. جناب آقای رخشانی از عزیزان اهل سنت از شهر زاهدان پشت خط هستند. جناب آقای رخشانی سلام علیکم و رحمة الله:

بیننده (آقای رخشانی از زاهدان - اهل سنت):

سلام علیکم. ما از اهل سنت زاهدان منطقه خاش هستیم.

مجری:

اگر ملاحظه بفرمایید پایین گیرنده شما اهل زاهدان قید کردند.

بیننده:

بنده می‌خواستم مطلبی به شما بگویم. ما اهل سنت هستیم و همیشه فکر می‌کردیم تشیع به همسران پیغمبر اکرم و امهات المؤمنین مخصوصاً ام المؤمنین عایشه توهین می‌کنند.

ما هیچ وقت دوست نداشتیم با تشیع هم صحبت شویم تا اینکه چند روز پیش یکی از دوستانم در اینترنت و بعد از آن تلگرام حرف‌ها و مسئله‌هایی از یکی از بینندگان شما به اسم آقای «شریفی» به ما نشان داد.

بنده در آنجا متوجه شدم مطلب و مسئله‌ای وجود دارد. بعد از آن خبردار شدیم که شما می‌خواهید مناظره برگزار کنید.

ما به منزل دامادمان رفتیم و مناظره شما را دیدیم. از آنجا به بعد از دوستم که شیعه است و در منزل دامادمان نشسته بود و به ما گفته بود که این مناظره را مشاهده کنید خیلی خجالت کشیدم.

ابتدا بنده از این خجالت کشیدم که تهمت‌هایی به دوست خودم آقای «میر» زده بودم. دوستم همیشه ادعا می‌کرد که ما چنین حرف‌هایی نمی‌زنیم و من همیشه به او می‌گفتم که شما این حرف‌ها را می‌زنید.

بنده بیشتر از این خجالت کشیدم که افرادی خود را مدافع ما اهل سنت می‌دانند در حالی که افرادی بی‌سواد هستند. اگر این افراد بی‌سواد نبودند باید جواب شخصی که خودشان او را لوله‌کش یا کاسب می‌نامند و کارشناسان و علمای ما هستند را می‌داد.

متأسفانه این افراد هیچ جوابی ندادند. نه اینکه این افراد جوابی ندادند، بلکه به نظر من جوابی برای گفتن نداشت.

بنده بار سوم برای این خجالت کشیدم وقتی که دامادمان قسم خورد و گفت بنده هیچ وقت دیگر پایم را در هیچ جلسه «ختم بخاری» نمی‌گذارم. «ختم بخاری» که در آن به پیغمبر اکرم توهین کنند، به أم المؤمنین عایشه توهین کنند، به خلیفه عمر توهین کنند.

ما خلیفه عمر را صدیق می‌نامیم، اما آن‌ها ادعا می‌کنند که خلیفه عمر به دختر خود تهمت زده است. این مسئله ما را ناراحت کرد.

بنده از برادر عزیزم «علی شریفی» تشکر می‌کنم که علی رغم اتفاقاتی که افتاد همانند یک مرد از ناموس پیغمبر اکرم و حرمت رسول الله دفاع کرد. در عین حال هرچقدر عالم ما آقای «سجودی» او را مسخره کرد، ایشان حرف‌های خودشان را زد.

ما از ایشان و برنامه شما ممنونیم و ان شاء الله که خداوند متعال کاسبان دین، کسانی که به دنبال کسب پول از دین هستند و می‌خواهند به اسم شبکه برای خودشان کسب درآمد کنند را نابود کند.

بستگان من همگی مغازه‌دار هستند و پول خود را برای این مرد می‌فرستند تا از دین ما دفاع کند، اما این افراد این چنین پول ما را حیف و میل می‌کنند. من از شما خیلی ممنونم، ببخشید که زیاد صحبت کردم.

مجری:

جناب آقای رخشانی عزیز از شما متشکرم. روابط عمومی بیانیه دادند که آقای «شریفی» از «شبکه جهانی ولایت» است. ایشان فردی است که واقعاً وهابیت در مقابل او جوابی ندارند.

خودتان می‌توانید قضاوت کنید. طرف مقابل وهابی او گفت که جوابی برای گفتن ندارم، اما ایشان با مناظره شخصی اقدام کردند. هرچند ما هم بدمان نمی‌آمد که مناظره‌ای باشد از باب استدلال‌های علمی که آورده می‌شد، اما واقعیت این است که مناظره شخصی بود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

جناب آقای رخشانی بزرگوار و همه عزیزان اهل سنت ببینید که در کتاب «تفسیر آلوسی» که شخصی ناصبی العقیده است جلد ۱۸ صفحه ۱۲۲ روایتی وارد شده است که می‌گوید:

«ونسب للشيعة قذف عائشة رضي الله تعالى عنها بما برأها الله تعالى منه»

به شیعه نسبت داده شده که به عایشه نسبت فحشا می‌دهند.

«وهم ينكرون ذلك أشد الإنكار»

شیعیان این تهمت را به شدت انکار می‌کنند.

«وليس في كتبهم المعول عليها عندهم عين منه ولا أثر أصلاً»

در کتب معتبر شیعه اصلاً اثری از افترا به عایشه وجود ندارد.

«وكذلك ينكرون ما نسب إليهم من القول بوقوع ذلك منها بعد وفاته e وليس له أيضا في كتبهم عين ولا أثر والظاهر أنه ليس في الفرق الإسلامية من يختلج في قلبه ذلك فضلا عن الإفك الذي برأها الله عز وجل منه»

روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى، اسم المؤلف: العلامة أبى الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسى البغدادى، دار النشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، ج ١٨، ص ١٢٢، باب النور: (١٦) ولولا إذ سمعتموه... ..

او که متوفای ۱۲۷۰ هجری است تمام کتب شیعه را دیده و مطالعه کرده است. حال اگر کتاب ضعیفی وجود دارد که شخصی به صورت مرسل این ادعا را بیان کرده مطرود مراجع عظام تقلید ما و علمای ماست.

در کتاب «تبیان» اثر «علامه طوسی» که از او به «شیخ الطائفه» تعبیر می‌کنند جلد دهم وارد شده است: "هیچ همسری از همسران پیغمبر اکرم از حضرت آدم تا پیغمبر خاتم دچار فحشا نشده است. اگر چنین کاری بشود آبروی پیغمبر خدا رفته است. هرکسی چنین تهمتی را به زوجات نبی نسبت بدهند خطای بزرگی مرتکب شدند و حرف درست و حسابی نزدند."

مشاهده کنید که این فتوا صحبت دیروز و امروز نیست، بلکه متعلق به سال ۴۶۰ هجری قمری است. آیا با این وضع زیننده است که شبکه‌های وهابی هر روز سنی را به جان شیعه و شیعه را به جان سنی بیندازند؟!

دوستان عزیز هفت سال است که «شبکه جهانی ولایت» تأسیس شده است. آیا تا به حال موردی پیش آمده است که نستجیر بالله چنین تعبیری به همسران پیغمبر اکرم از جمله عایشه یا دیگر پیامبران داده باشند؟!

آیا این ادعا از سوی شبکه‌های شیعی غیر از دو شبکه ناموزون و شیطانی و ناموفق مطرح شده باشد؟! نه ما خود این دو شبکه را قبول داریم و نه علمای ما این دو شبکه را قبول دارند.

این شبکه‌ها از آمریکا و انگلیس پول می‌گیرند تا ایجاد فتنه کنند همانطور که شبکه‌های وهابی هم پول گرفتند تا فتنه ایجاد کنند. کبوتر با کبوتر باز با باز!! قرآن کریم می‌فرماید:

(الْحَبِیْثَاتُ لِلْحَبِیْثِیْنَ وَ الْحَبِیْثُونَ لِلْحَبِیْثَاتِ وَ الطَّیِّبَاتُ لِلطَّیِّبِیْنَ وَ الطَّیِّبُونَ لِلطَّیِّبَاتِ)

زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاک‌اند! و مردان ناپاک نیز تعلق به زنان ناپاک دارند.

سوره نور (۲۴): آیه ۲۶

مجری:

از شما متشکرم. تماس بعدی آقای موسوی از اهواز هستند. سلام علیکم و رحمة الله:

بیننده (آقای موسوی از اهواز - شیعه):

عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما مجری توانا آقای حسینی عزیز و همچنین عرض سلام ویژه خدمت حضرت آیت الله دکتر استاد حسینی قزوینی عزیز.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

استاد سه سؤال دارم. اگر اجازه بدهید بنده از محضر مبارکتان بپرسم و ان شاء الله جواب‌ها را از گیرنده می‌شنوم. استاد چند روز پیش شبکه‌های وهابی را نگاه می‌کردم. آن‌ها در مورد علم غیب چند مطلب گفتند.

مطلب اول در مورد امام حسین بود. آن‌ها ادعا می‌کنند که اگر امام حسین علم غیب داشت در شهادت حضرت مسلم مقصر است، زیرا می‌دانست که ایشان شهید می‌شود.

مطلب دوم این است که ادعا می‌کنند اگر کسی بگوید پیغمبر اکرم علم غیب دارد نستجیر بالله از خر هم ختر است.

مجری:

در این خصوص کلیپی وجود دارد که اتاق فرمان این کلیپ را آماده کنند تا اگر حضرت استاد اجازه دادند این کلیپ را پخش کنیم. بنده این تعبیر را دیدم و کلیپ آن را هم نگه داشتم. ان شاءالله بعد از اینکه این کلیپ آماده شد اتاق فرمان به من اطلاع دهند تا ببینیم.

شبکه‌های وهابی واقعاً چنین تعبیری را به کار بردند و ادعا کردند که اگر کسی چنین ادعایی کند چنین است. عذرخواهی می‌کنم بین صحبت‌های شما صحبت کردم. فرمایش خود را تکمیل بفرمایید.

بیننده:

سؤال سوم اینکه حدیثی می‌آورند و می‌گویند امام شیعیان می‌گوید: من شیعیان را امتحان کردم و همه آنها را دروغگو یافتم. بنده می‌خواستم از حضرت استاد بپرسم آیا چنین حدیثی صحت دارد یا خیر؟

در آخر می‌خواهم از آقای «شریفی» بابت مناظره شب جمعه ایشان تشکر کنم. ایشان ثابت کردند که ادعای شبکه‌های وهابی در مورد اینکه شیعه به عایشه توهین می‌کند دروغ محض است.

همانطور که استاد حسینی قزوینی از آقای «آلوسی» نقل کردند واقعاً چنین ادعایی دروغ محض است و شیعه چنین اهانتی نه به پیغمبر اکرم و نه به عایشه می‌کنند. آقای «شریفی» بار دیگر مشیت محکمی بر دهان وهابیت زدند.

مجری:

جناب آقای موسوی از شما بسیار ممنونم. تماس بعدی از اهواز هستند، آقای اثنی عشری سلام علیکم و رحمة الله:

بیننده (آقای اثنی عشری از اهواز - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله جناب آقای حسینی مجری عزیز. سلام و عرض ادب خاص خدمت جناب آقای دکتر آیت الله حسینی قزوینی. ما ممنونیم از اینکه واقعاً مسئله جریان الحوآب را باز کردید.

جناب آقای دکتر خدا را شاهد می‌گیرم در جریان همین قضیه‌ای که برادر اهل سنت ما در مورد أم المؤمنین عایشه گفتند واقعاً درست بود. واقعاً حق مطلب را در اینجا ادا کردند و واقعیت را گفتند.

مطلبی که بنده در ماجرای آقای «سجودی» به یادم آمد این است که می‌خواهم خاضعانه به برادران اهل سنت عرض کنم که واقعاً خودتان کلاه خودتان را قاضی کنید.

آقای «سجودی» خود را از اهل سنت می‌داند؛ بنده اصلاً او را قبول ندارم او وهابی است، اما اهل سنت عزیزان ما هستند.

«سجودی» در جواب آقای «شریفی» قضیه الحوآب را گذاشت انواع و اقسام سگ‌ها را گذاشت که در دنیا چه نوع سگ‌هایی هست و این جواب آقای «شریفی» بود. خدا را شاهد می‌گیرم که بنده به یاد جریان حوآب افتادم. این واقعاً توهین به أم المؤمنین عایشه است.

درخواست دیگری که از حضرت آقا دارم این است که بفرمایند چرا أم المؤمنین عایشه بعد از یادآوری این حدیث برنگشتند و این مشکلات به وجود آمد؟! چه کسی جلوی او را گرفت و چرا برنگشتند؟!!

بنده از آقای «شریفی» ممنونم و خدا را شاهد می‌گیرم که در جریان دفاع از عایشه سنگ تمام گذاشتند.

مجری:

جناب آقای اثنی عشری از شما متشکرم. به سراغ سؤالات برویم، زیرا فکر نمی‌کنم وقت داشته باشیم تماس‌های دیگر را دریافت کنیم.

آقای رخشانی از زاهدان موضوعاتی را فرمودند که تحت تأثیر یکی از بینندگان «شبکه جهانی ولایت» با کارشناسان شبکه‌های وهابی قرار گرفته بودند.

بیننده «شبکه جهانی ولایت» در آن مناظره از ناموس پیغمبر اکرم دفاع می‌کرد، اما طرف وهابی اصرار داشت از روایاتی که خلاف آن بود دفاع کند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی چندین مرتبه این مطلب را بیان کردند که بعضی از افرادی که هم «شبکه جهانی ولایت» را می‌بینند و هم شبکه‌های وهابی را ملاحظه می‌کنند نزد ما می‌آیند و رسماً تشیع خود را اعلام می‌کنند.

اصلاً نیازی به مناظره نیست و به نظر من شاید مناظره اشتباه باشد. اگر مردم یک هفته شبکه‌های وهابی و یک هفته «شبکه جهانی ولایت» را ببینند متوجه حقیقت خواهند شد.

بنده امشب مطالبی از حدود ۴۰ کتاب اهل سنت آوردم. ما تصویر کتاب را نشان دادیم، بررسی سندی و صحت آن را ثابت کردیم و رسماً می‌گوییم: اهانت به مقدسات اهل سنت حرام و خلاف شرع است.

حال اگر فلان شخصی در یکی از روستاها به أم المؤمنین توهین کرده را بزرگنمایی می‌کنند. من نمی‌دانم این آقایان دنبال چه چیزی هستند، اما گمان می‌کنم آن‌ها از تفضلات اهل بیت (علیهم السلام) است که تا شب نباشد مردم قدر روز را نمی‌دانند.

زمانی که ما در «شبکه سلام» برنامه داشتیم خیلی از مردم به بحث‌ها را اهمیت نمی‌دانند، اما زمانی که آن برنامه‌ها را می‌بینند و برنامه‌های «شبکه جهانی ولایت» را هم می‌بینند واقعاً قدر انوار علوم اهل بیت (علیهم السلام) برای مردم روشن‌تر می‌شود.

مجری:

آقای موسوی از اهواز چند مبحث داشتند. شبکه‌های وهابی چند سؤال مطرح کردند که سؤال ایشان همان بود. سؤال اول این بود که اگر امام حسین می‌دانست وقتی حضرت مسلم را به عنوان سفیر بفرستد ایشان کشته می‌شوند و باز هم فرستادند معلوم می‌شود که در خون حضرت مسلم دست داشتند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خداوند عالم پیامبرانی را برای هدایت مردم فرستاده است. خدا می‌دانست پیامبران را می‌کشند یا نمی‌دانست؟! اگر خدا نمی‌دانست خداوند آگاه نبوده است، اما اگر خداوند می‌دانست که پیامبران کشته می‌شوند نستجیر بالله شریک در قتل پیامبران است!؟

قطعاً وهابیت در مورد خداوند متعال هم معتقدند که علم غیب دارد. نمی‌دانم خدایی که وهابیت قائل‌اند سوار الاغ می‌شود و از بالا به پایین می‌آید علم غیب دارد یا ندارد.

ما نمی‌دانیم خدایی که می‌تواند هزاران خداوند همانند خود بیافریند و نمی‌تواند سنگی را بلند کند علم غیب دارد یا ندارد!!

ولی خدای شیعه و اهل سنت علم غیب می‌داند. خداوند متعال پیامبران الهی را فرستاده است، اما هزاران پیامبر را به قتل رساندند. کفار حضرت زکریا را لای دیوار گذاشتند و با اره ایشان را زنده زنده قطعه قطعه کردند.

خدا می‌دانست یا نمی‌دانست که این کار را با پیامبران الهی انجام می‌دهند؟! اگر خداوند می‌دانست در این صورت شریک قتل پیامبران است. وهابیت چه حرفی می‌زنند؟!

«علامه طباطبائی» تعبیری دارد که می‌گوید: علم دو نوع است؛ نوع اول علمی است که از کانال غیرطبیعی می‌آید و قطعیات است. در این صورت ما تکلیف نداریم.

بنده سؤالاتی از این افراد با استناد به کتب «تاریخ طبری» و دیگران خواهم پرسید. بنده عذرخواهی می‌کنم، اما تقاضا داریم به همین مسئله دقت کنند.

در کتاب «تاریخ طبری» جلد سوم صفحه ۴۱ مناظره‌ای میان امیرالمؤمنین و «طلحه» و «زبیر» صورت گرفته است. روایت چنین است:

«فقال علی لأصحابه أیکم یرعرض علیهم هذا المصحف وما فیه»

علی بن ابی طالب به اصحاب خود فرمود: کدامیک از شما این قرآن را می‌گیرد تا در برابر سپاه طلحه و زبیر با آن‌ها اتمام حجت کند؟

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت،

ج ۳، ص ۴۱، باب خبر وقعة الجمل من رواية أخرى

هرکسی این قرآن را بگیرد و به آنجا برود قطعاً کشته خواهد شد. چه کسی حاضر است چنین کاری کند؟! در این حال جوانی بلند شد و ادعا کرد که من حاضرم بروم. امیرالمؤمنین برای بار دوم و بار سوم هم درخواست خود را تکرار کرد.

حضرت خود می‌فرماید که هرکسی این قرآن را برای اصحاب جمل برد کشته خواهد شد. با این وجود زمانی که امیرالمؤمنین قرآن را به دست این جوان داد در قتل او شریک بوده است؟!!

این جوان نزد سپاهیان جمل رفت و قرآن را عرضه کرد، اما آن‌ها به او حمله کردند و او را کشتند.

مجری:

حجت بر آن‌ها تمام شد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. در کتاب «الکامل فی التاریخ» جلد سوم وارد شده است:

«قال علی أیکم يأخذ هذا المصحف يدعوهم إلی ما فیه»

کدامیک از شما قرآن را به دست می‌گیرد تا برای اتمام حجت برود؟!!

«فإن قطعت یده أأخذه بیده الأخری فإن قطعت أأخذه بأسنانه وهو مقتول»

اگر دست راست او را قطع کردند قرآن را به دست چپ بگیرد و اگر دست چپ او را قطع کردند قرآن را به دندان بگیرد و او کشته خواهد شد.

الکامل فی التاریخ، اسم المؤلف: أبو الحسن علی بن أبی الکریم محمد بن محمد بن عبد الکریم الشیبانی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۵ هـ، الطبعة: ط ۲، تحقیق: عبد الله القاضی، ج ۳،

ص ۱۴۷، باب عدد قتلی الواقعة

حضرت سه مرتبه اتمام حجت کرد، اما هر سه بار این جواب آماده رفتن شد. در نهایت او رفت، قرآن را عرضه کرد و کشته شد. در کتاب «سنن بیهقی» جلد هشتم همین تعبیر وارد شده است.

«فقال علی رضی الله عنه من يأخذ المصحف ثم یقول لهم ماذا تنقمون تریقون دماءنا ودماءکم»

علی بن ابی طالب فرمود: چه کسی است که این قرآن را بگیرد و به این افراد بگوید که برای چه کاری به جنگ و جدال آمدید و می‌خواهید خودتان و ما را به کشتن بدهید؟

«فقال رجل أنا یا امیر المؤمنین»

مرد جوانی گفت: یا امیرالمؤمنین! من حاضرم بروم.

«فقال إنک مقتول»

حضرت فرمود: تو کشته خواهی شد.

«قال لا أبالی»

جوان گفت: از کشته شدن ابایی ندارم.

«قال خذ المصحف قال فذهب إليهم فقتلوه»

سنن البیهقی الکبری، اسم المؤلف: أحمد بن الحسین بن علی بن موسی أبو بکر البیهقی، دار النشر:

مکتبة دار الباز - مكة المكرمة - ۱۴۱۴ - ۱۹۹۴، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، ج ۸، ص ۱۸۱، ح ۱۶۵۲۲

آیا نستجیر بالله امیرالمؤمنین در قتل این جوان سہیم و شریک بوده است؟! حضرت به او فرمودند که کشته خواهد شد، اما او بیان کرد که از کشته شدن باکی ندارد.

مجری:

سؤال دوم آقای موسوی این بود که یکی از شبکه‌های وهابی ادعا می‌کند هرکسی بگوید پیغمبر اکرم علم غیب داشته از خر هم خرت‌تر است. یکی از وهابیت چنین ادعایی کردند و تعبیر الاغ را به کار بردند برای کسی که قائل به علم غیب نبی گرامی اسلام باشد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما نمی‌دانیم این افراد حتی نسبت به بزرگان خودشان هم احترامی نمی‌گذارند. آن‌ها ادعا می‌کنند که هرکسی ادعا کند پیغمبر اکرم از گذشته و آینده خبر داشت از خر هم خرت‌تر است!! آقایان اهل سنت خودتان قضاوت کنید.

مجری:

استاد ۱۸ ثانیه از کلیپ را آماده کردند تا مشاهده کنیم. اهل سنت مشاهده کنید که وهابیت نسبت به مسلمان که قائل به علم غیب برای نبی گرامی اسلام هستند چه تعبیری به کار می‌برند!! این آقای وهابی چقدر مؤدب است که ادعا می‌کند هرکسی خبر داده باشد که پیغمبر اکرم علم غیب دارد یا علم داشته باشد از خر هم خرت‌تر است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

عزیزان دقت کنید من کتاب «صحیح مسلم» را به شما نشان می‌دهم. در کتاب «صحیح مسلم» که نسخه آن را الآن هم دارم حدیث ۲۸۹۱ روایتی از «حذیفه» نقل شده است که می‌گوید:

«قَامَ فِينَا رَسُولُ اللَّهِ مَقَامًا مَا تَرَكَ شَيْئًا يَكُونُ فِي مَقَامِهِ ذَلِكَ إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ»

رسول الله بالای منبر رفتند و هر اتفاقی که از عصر خود تا قیام قیامت می‌خواست بیفتد را خبر دادند.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۴، ص ۲۲۱۷، ح ۲۸۹۱

در روایت بعد وارد شده است:

«أخبرني رسول الله بما هو كائن إلى أن تقوم الساعة»

رسول الله تمام اتفاقاتی که تا قیامت می‌خواست بیفتد را به ما خبر دادند.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ٢٢١٧، ح ٢٨٩١

روایت بعد چنین است:

«صلى بنا رسول الله الفجر وصعد المنبر فخطبنا حتى حضرت الظهر فنزل فصلى ثم صعد المنبر فخطبنا

حتى حضرت العصر ثم نزل فصلى ثم صعد المنبر فخطبنا حتى غربت الشمس فأخبرنا بما كان وبما هو

كائن فأعلمنا أحفظنا»

رسول الله نماز صبح را خواندند و بعد بالای منبر رفتند و خطبه خواندند تا ظهر شد سپس نماز ظهر را

خواندند و بالای منبر خطبه خواندند تا عصر شد و سپس بالای منبر خطبه خواندند تا غروب شد سپس از

تمام اتفاقات گذشته و آینده به ما خبر دادند.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ٢٢١٧، ح ٢٨٩٢

ولی این شخص ادعا می‌کند هرکسی چنین ادعایی کند از خر هم خرت‌تر است. من نمی‌دانم ایشان چه رابطه‌ای با

آن حیوان زبان بسته دارد!!؟

آقایان اهل سنت دقت داشته باشید این کتاب «صحیح مسلم» است. حال این افراد خود خبر دارند، اما خود را

به بی‌خبری می‌زنند گناه ما و مخاطبین شما چیست!! این چه تعبیری است که به کار می‌برید؟! دوستان اهل

سنت افرادی که از شما دفاع می‌کنند این افراد هستند!!

دقت داشته باشید این کتاب «صحيح مسلم» و روايت صريح صحابه است. صحابه می‌گویند: پیغمبر اکرم از گذشته و آینده ما خبر داده است.

من نمی‌دانم او با این تعبیر خود می‌خواهد نسبت به «مسلم» توهین کند، نسبت به «حذیفه» توهین کند یا «عمرو بن اخطب» توهین کنند؟! من نمی‌دانم این افراد به چه کسی توهین کند! «حذیفه» به صراحت می‌گوید:

«وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ النَّاسَ بِكُلِّ فِتْنَةٍ هِيَ كَائِنَةٌ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ السَّاعَةِ»

به خدا سوگند از الآن تا قیامت از تمام فتنه‌ها خبر دارم و پیغمبر اکرم به من خبر داده است.

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ٢٢١٦، ح ٢٨٩١

این روایت از کتاب «صحيح مسلم» است و کتاب عادی نیست. آقای حسینی ان‌شاءالله یک شب را به مبحث علم غیب اختصاص بدهید، زیرا آقایان وهابی روی این مسئله مانور می‌دهند.

در کتاب «فتح الباری» اثر «ابن حجر عسقلانی» جلد ١١ صفحه ٣٤٧ ذیل آیه شریفه:

(عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهَرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ)

عالم الغیب او است، و هیچکس را بر اسرار غیبش آگاه نمی‌سازد، مگر رسولانی که آن‌ها را برگزیده است.

سوره جن (٧٢): آیات ٢٦ و ٢٧

وارد شده است:

«وفيه دلالة على جواز اطلاع الولي على المغيبات باطلاع الله تعالى»

این آیه دلالت می‌کند بر اینکه اولیاء الهی هم به اطلاع خداوند عالم برای آن‌ها از غیب خبر می‌دهند.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی،

دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج ۱۱، ص ۳۴۷، ح ۶۱۳۷

او کاری به پیغمبر اکرم و صحابه ندارد، بلکه می‌گوید: هر ولی از اولیاء الهی هم می‌تواند علم غیب داشته باشد.

جناب آقای «سجودی» بزرگوار! خدای شما «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة» جلد هشتم می‌گوید:

«أما الإخبار ببعض الأمور الغائبة فمن هو دون علي يخبر بمثل ذلك فعلى أجل قدرا من ذلك وفى أتباع

أبي بكر وعمر وعثمان من يخبر بأضعاف ذلك»

خبر به بعضی از مسائل غیبی که پایین‌تر از علی هستند خبر از غیب دادند. نه تنها ابوبکر و عمر و عثمان

بلکه پیروان آن‌ها چندین برابر علی از غیب خبر دادند.

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۸، ص ۱۳۵

او در ادامه می‌گوید: «حذیفه» و «ابوهریره» و دیگر صحابه چند برابر علی بن ابی طالب از غیب خبر می‌دادند.

من گمان می‌کنم تنها کسی که مصداق سخن «سجودی» باشد همین «ابن تیمیه» است!! گمان نمی‌کنم بهتر از

ایشان کسی مصداق حرف «سجودی» باشد.

ما مقام صحابه و «مسلم» را اجل از این می‌دانیم، اما اگر مراد ایشان این است که «ابن تیمیه» مصداق ادعای

«سجودی» است ما آن را می‌پذیریم و اگر ایشان هم بپذیرد ما آن را قبول داریم. من در خدمت شما هستم.

مجری:

سؤال بعدی آقای موسوی از اهواز در مورد حدیثی بود که شبکه‌های وهابی می‌آورند و ادعا می‌کنند که امام فرمود: "من شیعیان را امتحان کردم و همه آن‌ها را دروغگو یافتم!!" آیا چنین روایتی وجود دارد؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

عزیزان دقت کنید زمانی که ما روایتی از کتاب «صحیح مسلم» و «صحیح بخاری» می‌خوانیم این آقایان از زباله‌دان‌های ما روایت می‌آورند. دوستان عزیز روایتی که ایشان نقل می‌کند در کتاب «کافی» است. امام کاظم (علیه السلام) فرمودند:

«لَوْ مَيَّرْتُ شِيعَتِي لَمْ أَجِدْهُمْ إِلَّا وَاصِفَةً»

اگر من شیعیانم را امتحان کنم آن‌ها را دروغگو می‌یابم.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۸،

ص ۲۲۸، ج ۲۹۰

در کتاب «مرآة العقول» جلد بیست و ششم وارد شده است:

«الحديث التسعون و المائتان: ضعيف»

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح:

رسولی محلاتی، سید هاشم، ج ۲۶، ص ۱۶۱، پ الحدیث ۲۹۰

روایتی که ضعیف است و شیعه برای آن ارزشی قائل نیست را مانور می‌دهند در حالی که کمتر جلسه‌ای وجود دارد که آقایان با عقل این روایت را در آن مطرح نمی‌کنند. از الآن هم برنامه‌ای در رابطه با عزاداری شروع کردند که ما واقعاً از این جهت از این افراد تشکر می‌کنیم.

دوستان ما از الآن باید بر ضد این افراد زمینه‌سازی کنند. ان‌شاءالله عزیزان اهل سنت ما قربة إلى الله یا به جهت اینکه پوزه کارشناسان شبکه‌های شیطانی را به خاک بمالند امسال در مراسم عزاداری امام حسین بسیار پرشورتر از سال‌های گذشته شرکت کنند.

بنده از تمامی عزیزان در داخل و خارج از کشور تقاضا می‌کنم در جلساتی که عزیزان اهل سنت هم حضور دارند ولو با موبایل فیلم بگیرند و برای ما بفرستند. ما از شما تشکر می‌کنیم، فیلم‌های شما را پخش می‌کنیم و ان‌شاءالله برای فیلم‌های بهتر جوایزی تقدیم خواهیم کرد.

مجری:

از الآن آماده باشند. آقای اثنی عشری هم به بحثی اشاره کردند که وقتی عایشه حدیث حوآب را به خاطر آورد چکار کرد و چرا برنگشت. شما در ابتدای برنامه این مطالب را توضیح دادید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما توضیح دادیم که پنجاه نفر جمع کردند تا شهادت دهند این آب، آب حوآب نیست.

مجری:

ایشان شاید ابتدای برنامه را ندیده بودند. وقتی برنامه را ملاحظه کنند ان‌شاءالله پاسخ خود را دریافت خواهند کرد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی حضرت محمد و آل محمد و به آبروی حضرت امیرالمؤمنین و به ولایت و حقانیت امیرالمؤمنین فرج مولای ما حضرت بقية الله الأعظم را نزدیک بگردان.

خدایا قلب نازنینش را با ظهورش مسرور بگردان. خدایا ما را مشمول عنایات ویژه حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) قرار بده.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا گرفتاران مورد نظر و گرفتاری‌های مورد نظر را به آبروی حضرت امیرالمؤمنین برطرف نما. خدایا بر تمام بیماران، بیماران مورد نظر به آبروی امیرالمؤمنین شفای عاجل کرم فرما.

خدایا حوائج حاجت مندان، حوائج من حقیر، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز اعم از شیعه و اهل سنت به ویژه حوائج ولایت یاوران عزیز را برآورده نما. خدایا دعا‌های ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

مجری:

حضرت آیت الله قزوینی از شما بسیار ممنونم. متشکرم از عزیزانی که با ما همراه بودید. ان شاءالله عزیزانی که فرصت نشد روی خط بیابند بتوانند در برنامه بعدی روی خط تشریف بیاورند و سؤالات خود را مطرح کنند.

یا علی مدد، خدانگهدار